

متن پرسش

سلام خدمت استاد. درد دلی دارم، واقعا درد دارم. جوان ۲۸ ساله هستم مجرد! استاد خسته شدیم بریده ایم و نبریده ایم. جامعه و زمانه ی خاصی که در آن هستیم را می فهمم، هیچ کسی باعث مشکل من نیست اما همه ی مشکل هم از من نیست، نه غربی شده ایم که همه چیزها باشد نه سنتی مانده ایم که ۲۰ سالگی دوتا بچه داشته باشیم، ما هستیم و این مجرد پدر در بیاری که دین و دنیامان را تباہ کرد. خسته شدیم از بس نصیحت شنیدیم. استاد واقعا در دوران عجیبی هستیم، طرفدار انقلابیم و توجیه گر تمام مشکلاتی که غربگرایی برایمان ارمغان آورده، با تمام وجود انقلاب را می فهمیم و از انقلاب دفاع می کنیم، اما در جمع وقتی ازمان سوال می کنند اگه شرایط خوبه چرا زن نمیگري بند دلمان پاره می شود! تحقیر می شویم، خرد می شویم دلمان به لرزه می افتد، چه بگوییم؟ نه تقوایی داریم، نه توکلی، نه سیستمی که دستمان را بگیرد، نه جامعه توکل و تقوا را به ما یاد داده است! استاد امروز دهه شصت و پنجاه نیست، عصر تجمل و ریخت و پاش و سبک زندگی آمریکایی است، ما هم دلمان لک می زند نه یک بار نه دو بار روزی صد بار دلمان می تپد تا زوجی را می بینیم که کنار هم راه میر وند، ما پیغمبر زاده نیستیم، ما در همین جامعه رشد کرده ایم، هر مقدار هم خیالمان را کنترل کنیم و سربه زیر و محجوب باز هم می فهمیم که زندگیمان می لنگد! می فهمیم کم داریم، هزار بار می شکنیم دم بر نمی آوریم، دچار هزاران تناقضیم، هیچ کسی هم ما را نمی فهمد، نسل قبل ما هیچ وقت مجردی و دور شدن از سن ازدواج را نپسندیده، ما اولین نسلی هستیم که چنین دردی را می چشمیم، گمانم هیچ دوره ای همچین معضلی دامن گیر جامعه نبوده است الا الان و زمانه ما، مخصوصا برای قشر مذهبی و انقلابی! نه وجدانش می گذارد هرزه باشد نه شهوتش می گذارد دامنش پاک بماند، باز دلمان در گرو دین است و مسجد و ظاهر مذهبی مان نه می خواهیم لامذهب شویم نه توانسته ایم خودمان را حفظ کنیم! برمی گردیم سمت خدا، تا التماس دعا به من می گویند می خواهم توی سر خودم بزنم، که درونت را نمی بینند و خلوتت را، فقط نماز اول وقتت را می بینند و ظاهرت را! از خودم خجالت می کشم از وجهه ای که به دروغ حمل می کنم خجالت می کشم، نا امید می شوم، خودم را دلداری می دهم که برگرد خدا بزرگه، اما آشفتگی و تناقض رفتار امانان را می برد، دل در گرو دین و انقلاب داریم، هم خون دل برای جامعه می خوریم هم دلمان خون است از مجرد بودن! هیچ کسی شاید نتواند بفهمد عمق غصه ی جوانی را که نمی تواند ازدواج کند، هیچ کس نمی تواند بتواند بفهمد چقدر دلمان غرق خواهش و نیاز می شود وقتی زوجی را می بینیم، اما لب باز نمی کنیم و به شوخی می گوییم کی زن میگیره تو این شرایط، به دروغ میگی مجردی بهتره، اما بخدا دروغ میگی

شما باور نکنید. این فضای سنگین در کنار هرزگی افسار گسیخته و حجاب خراب، کار را عجیب پیچیده می کند، حتی جوری فضا بسته است که صیغه ی حلال هم برای جوان مذهبی بن بست شده است، دینداری من هم تو سرم بخوره که اگه دیندار بودم تقوا داشتم و توکل، اما فعلا من همینم که می بینید، من کم آورده ام، من خدا را جدی وارد زندگیم نکرده ام، اما بخدا قسم استاد ما کافر نیستیم، ما لائیک نیستیم ما حرف خدا را نمی خواهیم زیر پا بگذاریم اما کم آورده ایم، زخمی شده ایم، زمین گیر شده ایم، برای دل‌های صد پاره و متحیر ما هم دعا کنید. واقعا مانده ایم، واقعا دچار سرگستگی شده ایم. نمی خواهیم چنین باشیم، نمی خواهیم.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: فدای دل صد پاره و متحیر شما شوم، نه من تنها، که آیت الله امینی می فرمودند من گاهی مدت‌ها وقتی شرایط جوانانی که شما یکی از آن‌ها هستید را در نظر می گیرم، زار زار اشک می ریزم.

همین طور است که می گوئید واقعاً شرایط برای امثال شما طاقت فرسا است و نسل ما یعنی کسانی که هم سن بنده هستند، ابداً آن را احساس نکرده ایم. با این همه و همین اندازه آیه ی ۳۳ نور را در نظر بگیرید که می فرماید: «وَلْيَسْتَعْفِفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّى يُعْزِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ» اگر آن‌هایی که امکان ازدواج برایشان نبود، عفت به خرج دهند و گرفتار زناکاری نشوند، در راستای مقاومت شان حضرت حق به نحوی از فضل خود آن‌ها را برخوردار خواهد کرد.

مسئله ی شما مسئله ی بزرگی است در آن حدّ که رهبر معظم انقلاب در سال ۹۳ این طور فرموده اند: «مسئله ی ازدواج جوانها مسئله ی مهمی است. من از این بیم دارم که نگاه بی تفاوت نسبت به مسئله ی ازدواج - که متأسفانه امروز کم و بیش این نگاه بی تفاوت وجود دارد - در آینده تبعات سختی را برای کشور به وجود بیاورد. خب، حالا شما مسئله ی سربازی را مطرح کردید؛ به نظر من، سربازی مسئله ی مشکلی نیست؛ می شود در آن زمینه هم فکر کرد، کار کرد؛ راه حل مشکل سربازی به عنوان یک مانع در امر ازدواج، این نیست که ما مدت زمان سربازی را کوتاه کنیم؛ می توان شیوه های دیگری را به کار گرفت؛ لکن این یک مسئله است. انگیزه برای ازدواج، باید تبدیل بشود به یک اقدام عملی؛ یعنی ازدواج باید تحقق پیدا بکند. اینکه خدای متعال می فرماید: «إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُعْزِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ»، این یک وعده ی الهی است؛ ما باید به این وعده، مثل بقیه ی وعده های الهی که به آن وعده ها اطمینان می کنیم، اطمینان کنیم. ازدواج و تشکیل خانواده، موجب نشده است و موجب نمی شود که وضع معیشتی افراد دچار تنگی و سختی بشود؛ یعنی از ناحیه ی ازدواج کسی دچار سختی معیشت نمی شود؛ بلکه ازدواج ممکن است گشایش هم ایجاد کند.» موفق باشید